

فوروم جهان سوم

و معرفی مختصر این سازمان

فوروم جهان سوم (Third World Forum) يك انجمن بين المللی مستقل و مهم است و شاید در نوع خود، مهم ترین و فعال ترین انجمن باشد، با حدود هزار عضو فعال، یعنی تقریباً برای هر يك از مناطق آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین ۳۰۰ نفر.

۱- منشأ فوروم و سازماندهی آن

* جمعی از دانشمندان علوم اجتماعی کشورهای جهان سوم در آوریل ۱۹۷۳ در شهر سانتیاگو (شیلی) با یکدیگر ملاقات کردند تا برخی از عوامل داخلی و خارجی را که در ایجاد موقعیت بحرانی کنونی جهان سوم دخیل هستند مورد بررسی قرار دهند، یعنی نابرابری اساسی اکثریت افراد بشر از نظر دستیابی به فرصت های زندگی، فقر همه جانبه، سوء تغذیه و محرومیت عمومی از ارضای نیازهای اولیه مادی، فرهنگی، سیاسی و زیست-محیطی، روابط سلطه گرانه و اختلاف های فزاینده در سطح ملی و بین المللی، و ادامه وابستگی حتی در عرصه آراء و عقاید.

* نشست افتتاحی فوروم در سال ۱۹۷۵ در کراچی برگزار شد.

* شبکه های فوروم جهان سوم در حال حاضر در چهارچوب های منطقه ای

زیر سازمان یافته اند:

- آمریکای لاتین و کارائیب

- آفریقا و خاور میانه عربی

- آسیای جنوبی

- آسیای جنوب شرقی

- شرق آسیا (چین، تایوان و دو کره).

در نظر است منطقه ششمی نیز تشکیل شود که آسیای غربی غیر عربی یعنی ترکیه، ایران، افغانستان، پاکستان و کشورهای آسیای مرکزی شوروی سابق را در بر گیرد.

دفتر فوروم جهان سوم در داکار [سنگال] که در سال ۱۹۸۰ تأسیس شده دو وظیفه را به عهده دارد:

الف - مسؤول مستقیم اجرای برنامه های منطقه آفریقا - خاور میانه است (و بدین ترتیب کل آفریقای سیاه و جهان عرب را در بر می گیرد).

ب - هماهنگ کننده برنامه ای کلی است که مناطق یاد شده را می پوشاند، در حالی که اجرای آن برنامه ها تحت مسؤولیت مستقیم هماهنگ کنندگان منطقه ای است. لذا این برنامه های منطقه ای اجزاء ضروری برنامه واحد کل جهان سوم هستند.

* اعضای شبکه های فوروم جهان سوم که در هر یک از مناطق یاد شده عمل می کنند، در واقع، عضو فوروم به شمار می روند.

مجمع عمومی از کلیه اعضای منطقه تشکیل می شود و دارای اختیارات نهائی برای حل و فصل کلیه امور خود می باشد. مجمع مدیر دفتر را تعیین می کند و او کلیه وظایف لازم را بر عهده می گیرد تا فعالیت های سازمان به جریان افتد یعنی مشورت با اعضاء به منظور طرح و تهیه برنامه ها، سازماندهی و پیگیری اجرای آن ها، مذاکره با آژانس هایی که اجرای برنامه را از نظر مالی به عهده گرفته اند، امضای اسناد مالی مربوطه و به کار انداختن حساب های مناسب بانکی.

دفتر فوروم جهان سوم در داکار در ژوئن ۱۹۸۰ افتتاح شد و مجمع عمومی آن تا کنون چهار بار تشکیل شده است. در دسامبر ۱۹۸۰، در مه ۱۹۸۵، در دسامبر ۱۹۹۰ و در فوریه ۱۹۹۴. پروفیسور سمیر امین مدیریت دفتر و دکتر برنارد فونو چویگوا (Dr. Bernard Founou-Tchuigoua) مدیریت بخش پژوهش را عهده دار هستند.

۲- اهداف و مقاصد

فوروم جهان سوم که مرکز و دفتر آفریقایی آن در داکار قرار دارد يك انجمن بين المللی غير انتفاعی ست که حدود ۱۰۰۰ نفر از روشنفکران آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین را در بر می گیرد. هدف آن سازماندهی بحث و گفتگو و پیشبرد تحلیل های انتقادی و ترویج شکلی از توسعه است که با آن اشکالی از توسعه که خود به خود در چارچوب منافع نیرومندترین شرکای نظام کنونی جهان قرار می گیرند، تفاوت داشته باشد.

هرچند سال های ۱۹۶۰ با این امید بزرگ مشخص می شد که شاهد آغاز يك فرآیند برگشت ناپذیر توسعه در جهان سوم باشیم، اما دوره ما دوره توهم زدایی ست. توسعه در بسیاری از جاها به بن بست رسیده، تئوری آن در وضعیت بحرانی ست و ایدئولوژی اش در معرض تردید. فوروم جهان سوم کار خود را با این ملاحظه آغاز می کند که گفتگو در باره سمنگیری های مختلف ممکن در چارچوب محدود گرایش های اقتصاد کلان صرفاً به نتایج عمومی ای می انجامد که تقریباً از پیش به خوبی معلوم است و لذا این نکته را باید در تحلیل همه ابعاد مسأله اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی «منظور کرد» و گنجانند و سپس دوباره آن سمنگیری ها را در چارچوب محلی و کنش و واکنش آن ها در عرصه جهانی قرار داد. در شرایط حاضر، فوروم در زیر سؤال بردن انحصار «شمال» بر تأملات تئوریک در باره سازماندهی جهان و اثرات متضاد و مؤلفه های جغرافیایی آن مشارکت دارد.

با شرکت در بحث پیرامون چشم اندازهای توسعه در سطح مناطق مختلف جهان سوم و تحول نظام جهانی، فوروم بر بحران های میان مدت و دراز مدت تأکید می ورزد. فوروم از این ملاحظه آغاز می کند که سیاست های به اصطلاح تعدیل ساختاری کوتاه مدت که توسط نهادهای نظام جهانی تحمیل می شود، در بهترین حالت به صرفه جویی در بودجه می انجامد و غالباً مشکلات توسعه نیافتگی را به ویژه در بُعد اجتماعی تشدید می کند. در تحلیل نهایی، این سیاست ها با محدود کردن امکان تحرك برای سمنگیری های مختلف، گرایش های درازمدت را در جهت معینی سوق می دهند.

برای غلبه بر ورشکستگی توسعه و بر بحران تئوری آن، فوروم جهان سوم پروژه توسعه ای «از نوع دیگر» را به بحث می گذارد، پروژه سیاسی يك جهان

چند مرکزی که نتوان آن را به سه یا پنج «غول» تقلیل داد که خود را جایگزین جهانی می دانند که دو ابر قدرت نظامی در رأس آن قرار داشتند و همچنان جهان سوم را به حاشیه می رانند؛ بلکه جهانی اصیل و چند مرکزی که حدی واقعی را از توسعه به آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین عرضه کند. تفاوت های عمیق بین این مناطق که البته به توسعه اقتصادی نابرابر آن ها مربوط می شود و نیز به سمتگیری های اجتماعی و ریشه های فرهنگی آن ها، مسلماً انواعی از الگوهای مکمل توسعه را الزامی می سازد که نمی توان آن ها را به یک «نسخه پیچی» برای سراسر جهان تنزل داد.

در پیوند با همین مسأله، فوروم در تدوین پروژه ای شرکت دارد که هدف از آن عبارت است از پرداختن همزمان به حل «مسأله توسعه»، تضمین صلح و امنیت جهانی و پیشرفت عمومی دموکراسی سیاسی و اجتماعی.

۲- شیوه کار و چگونگی تأمین بودجه

* طی ۱۷ سال گذشته (۱۹۹۷-۱۹۸۰) فوروم جهان سوم سمپوزیوم ها و نشست هایی برگزار کرده تا پژوهش ها و دستاورد های شبکه های خود را به بحث بگذارد. در این دیدارها ۲۵۰۰ مطلب مورد بحث قرار گرفته است. بخشی از این مطالب چاپ و منتشر شده است که بالغ بر حدود ۷۰ کتاب می شود، به زبان فرانسوی یا انگلیسی که دو زبان عمده کار ما هستند.

خصوصیت برنامه هایی که طی سال ها در فوروم تدوین شده اند از سمتگیری دوگانه آن ها ناشی می شود که از یک طرف آن ها را از دیگر برنامه ها - که غالباً بیش از حد سنتی اند - متمایز می سازد و از طرف دیگر هدفی را دنبال می کنند که عبارت است از برداشت انتقادی از مفاهیم و سیاست های توسعه.

الف - فوروم جهان سوم درست از همان ابتدا سمتگیری به سوی یک رهیافت منسجم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را برگزید که معمولاً با عناوین «بسیار رشته ای»، «چند رشته ای»، «میان رشته ای» یا «فرارشته ای» تعریف می شود.

ب - فوروم جهان سوم با در نظر گرفتن هر منطقه قید مطالعه به عنوان یکی

از مناطقی که در نظام جهانی ادغام شده است سمتگیری روش شناسانه ای را پشتوانه کار خود قرار داد. به عبارت دیگر بر اساس سمتگیری روش شناسانه، واحد عمده تحلیل، بیش از آن که یکی از اجزاء جغرافیایی تشکیل دهنده آن، مثلاً کشور یا مناطق باشد، همچنان نظام جهانی ست. البته این بدین معنا نیست که ویژگی های عینی خاص هر جامعه (کشور یا منطقه) و هرکدام از لحظات تغییر را باید نادیده گرفت، بلکه صرفاً بدین معنا ست که این ویژگی ها تنها در ارتباط با نظام جهانی معنای کامل خود را افاده می کنند. امروز، همزمان با سخنان پرمطراق راجع به «الزامات گریز ناپذیر بازار جهانی» که بر گفتمان رایج مسلط است، ممکن است این سمتگیری حاکم به نظر برسد، حال آنکه ۱۵ سال پیش که گروه های کار فوروم جهان سوم تأملات خویش را آغاز کردند، این امر حقیقتاً بسیار کم فهمیده شده بود و نگرش پیشگامی بود که پذیرفته نمی شد.

این سمتگیری نشان می دهد که تحلیل خاص کشورهای مناطق ما مستقیماً باید در کل «جهان سوم» گنجانده شود که خود آن یکی از مؤلفه های نظام جهانی ست. تفاوت های موجود در درون جهان سوم («جهان چهارمی شدن» برخی از آن ها، ظهور کشورهای تازه صنعتی شده، تبلور روابط منطقه ای شده شمال - جنوب و غیره) از ابتدا در درون دینامیسم نظام جهانی قرار داشت. این سمتگیری همچنین نشان می داد که به تحول خود نظام جهانی توجه خاصی مبذول شده، خصلت های کیفی نوینی بروز کرده و اشکال جدیدی از قطب بندی پدیدار شده است (انحصارات تکنولوژیک همراه با انقلاب تکنولوژیک جاری، جهانی شدن سرمایه مالی، تشدید ارتباطات و رسانه های گروهی، کنترل تسلیحات دارای قدرت تخریبی انبوه و غیره). به عبارت دیگر، همانطور که در برنامه اصلی فوروم جهان سوم مشخص شده، نظر بر این بود که «جهان از دید جنوب نگریسته شود» بیش از آنکه «جنوب در جهان دیده شود». اینجا نیز فوروم برخوردار پیشگامانه ای برگزید که سرعت تغییراتی که دوره پس از جنگ دوم جهانی (۱۹۹۰-۱۹۴۵) را رقم زده، صحت آن را تأیید می کند.

* هدف اصلی فعالیت های فوروم جهان سوم این است که هرچه سیستماتیک تر بحث و گفتگوهای جدی را در باره راه های برون رفت و گزینش های بدیل سازماندهی کند. بحث ها بنا بر طبیعت خویش همواره سیاسی اند آنهم به معنای

درست و کامل کلمه. دستیابی بدین هدف دال بر این است که کار تحقیق علمی به خودی خود يك غایت نیست، بلکه بیشتر راه ورودیِ مطلوبی ست برای بحث های جدی، و اینکه باید از معیارهای عالی آکادمیک فراتر رفت و به سطحی رسید که معنا و پیامدهای احتمالی ای را که پژوهش ها بدان رسیده درک کرد. این امر همچنین به نوبه خود دال بر این است که نظام ارزش ها، بینش های ایدئولوژیک و پیشداوری ها را باید دوباره بررسی کرد و با روش ها و برخوردهای علمی، کنش های متقابل بین آن ها را درک کرد.

فوروم جهان سوم با حفظ این هدف اصلی، به تدریج روشی ابتکاری و غیر معمول را به کار گرفته و بسط داده است. در واقع، ما خیلی زود دریافتیم که برگزاری يك «سمپوزیوم» معمولی را، که در آن ۲۰ نفر یا بیشتر شرکت کنند و هر يك «نوشته» ای عرضه دارند، نمی توان به عنوان کارآمدترین راه تعمیق بحث تلقی کرد (صرف نظر از هزینه هایی که چنین جلساتی به همراه دارد). در عوض، فوروم جهان سوم گروه های کوچک کار («گروه ضربت») را در باره موضوعات معین سازماندهی می کند. این گروه ها معمولاً از يك هماهنگ کننده (که تقریباً ۳۰ تا ۵۰ درصد از وقت سالانه او وقف این کار می شود) و چهار تا شش عضو شرکت کننده (که ۱۰ تا ۲۰ درصد وقت خویش را صرف این کار می کنند) تشکیل می شوند. وظیفه گروه کار تولید يك «فایل» [تهیه يك پرونده یا نوشته] است روی موضوع مورد نظر، یعنی فراتر از نظر خودشان (که البته همیشه از آن استقبال می شود)، یعنی وضعیت و شکلی از مسأله مورد بحث که مواضع و استدلال های گوناگون را یکجا گرد می آورد. این نوشته (که معمولاً ۲۰۰ صفحه یا بیشتر را در بر می گیرد) پس از آنکه بین يك گروه ۲۰ تا ۳۰ نفره به بحث گذاشته شد و به منظور آنکه نظرات و تمایلات گوناگون را بنمایاند برگزیده می شود، سپس نوبت به پژوهش بیشتر، عمل و تصمیم گیری می رسد تا نوشته مزبور به صورت تنها سندی درآید که مورد بحث قرار خواهد گرفت. مدتی پیش از بحث، نوشته توزیع می شود و بعد از آنکه ملاحظات رسید جلسه بحث به نحو احسن سازماندهی شده برگزار می گردد.

فرآورده مشترک چنین روشی معمولاً مقالات و کتاب هایی هستند (که به طور فردی یا در يك گروه کوچک تهیه شده) و همچنین علاوه بر آن، بحث هایی که در

جمع های وسیع تر با شرکت کنندگانی در سطوح مختلف، جلسات سمینار و غیره برگزار می شوند.

برای ما کاملاً محسوس است که این روشی ست کارآمد که بسیاری از بحث های فوروم جهان سوم را با موفقیت روبه رو کرده و تأثیر بالقوه آن ها را تقویت نموده است.

* تأمین مالی فوروم جهان سوم غیر متمرکز است، بدین معنا که هر منطقه، همانطور که در بالا توضیح داده شد، برای تأمین مالی خویش راه هایی می جوید. بنا براین، ما در اینجا به گزارشی که دفتر داکار در باره هماهنگی عمومی و (اساساً) برای فعالیت های منطقه داده بسنده می کنیم:

فوروم جهان سوم از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۷ (۱۷ سال) چهار میلیون و نهصد و شصت هزار دلار آمریکا دریافت کرده است. مهم ترین تأمین کنندگان عبارت اند از: سوئد (Sarec)، نروژ (Norwegian Int. Cop.)، فنلاند (Finnida)، هلند (وزارت همکاری های بین المللی)، کانادا (IDRC, ICAF, CDPDD Alternatives)، ایتالیا (وزارت همکاری)، اتحادیه اروپا (بروکسل) و از خانواده ملل متحد (توکیو) و مشارکت های کوچک تر از کریستیان اید (لندن)، UNDP، یونسکو و فرانکوفونی ACCT (پاریس).

در حالی که فعالیت های آفریقایی فوروم جهان سوم گاه در رابطه مشترک با دیگر نهادهای بین المللی از خانواده ملل متحد مانند UNITAR (نیویورک)، UNU (توکیو)، UNRISD (ژنو) قرار داشته، فوروم جهان سوم تنها از UNU (توکیو) کمک مالی دریافت کرده است.

علاوه بر این، فوروم جهان سوم از برخی کمک ها (مانند تأمین هزینه های سفر که توسط نهادهای دیگر تأمین شده) برخوردار بوده که می تواند در حدود ۵۰ هزار دلار در سال تخمین زده شود.

با توجه به حجم فعالیت ها (تعداد اعضای فعال، کارگاه ها و سمینارها) وهزینه تولیدات خود (۲۵۰۰ بحث و مقاله، ۷۵ کتاب) مبلغی که فوروم خرج کرده در واقع بسیار اندک است و تقریباً با هر پروژه مشابهی قابل مقایسه می باشد.

محاسبه نشان می دهد که هزینه برای هر صفحه منتشر شده فقط ۴۰ دلار آمریکایی است.

دلایل پایین بودن هزینه فراوان است:

الف - خواست ما این بوده است که ثابت کنیم که مشارکت در بحث ها با رعایت بدیل هایی که در مورد مسائل مهمی که برای آینده انتخاب شده (مانند جهانی شدن، وابستگی های متقابل نابرابر، دموکراتیزه کردن، قابلیت دوام، خودمختاری و استحکام ملی، توسعه ارشادی مردمی) لزوماً هزینه های هنگفتی به بار نمی آورد.

ب - حق الزحمه در مقایسه با آنچه معمولاً نهادهای بین المللی می پردازند اندک است. اعضای فعال فوروم جهان سوم روشنفکرانی متعهد اند که به خاطر اهمیتی که برای مشارکت در فعالیت های فوروم جهان سوم قائل اند به سوی آن جلب شده اند نه به خاطر امکانات مالی ای که این سازمان قدرت تأمین اش را ندارد.

پ - دیدارها و نشست ها حتی الامکان در اماکن ارزان قیمت (ونه در هتل های لوکس) برگزار می شود.

ت - دو هماهنگ کننده اصلی دفتر آفریقا، یعنی سمیر امین (مدیر) و برنارد فونو - چویگوا (مدیر پژوهش ها) برای کار خود از سازمان حقوقی دریافت نمی دارند و هزینه شان را خود تأمین می کنند.

بیانیه

وقت آنست که مسیر تاریخ را اصلاح کنیم

وقت آنست که مسیر تاریخ را اصلاح کنیم. آینده بشریت در خطر است. پیشرفت های علمی و فنی و بالاترین دستاوردهای دانش بشری باعث تقویت امتیازات و تن آسایی يك اقلیت است. این کارهای عظیم و خارق العاده به جای آن که سعادت همگانی را به ارمغان آورند، تعدادی بی شمار از موجودات انسانی را در هم می شکنند، به حاشیه می رانند و طرد می کنند. دستیابی به منابع طبیعی، به ویژه در «جنوب»، در انحصار همان تعداد اندک است و در معرض باجگیری های سیاسی و تهدید جنگ. وقت آنست که مسیر تاریخ را اصلاح کنیم.

وقت آنست که اقتصاد را به خدمت خلق های جهان در آوریم

اقتصاد کالاهای و خدمات را عمدتاً برای يك اقلیت فراهم می کند. اقتصاد در شکل معاصر خود اکثریت نوع انسان را به سوی يك زندگی نکبت بار بخور و نمیر می راند و حتی حق حیات صدها میلیون نفر را انکار می کند. منطق آن، که محصول سرمایه داری نئولیبرال است، نابرابری های نفرت بار را تحکیم و تسریع می کند. ایمان به خصلت خود تنظیم کننده بازار، اقتصاد را به تحکیم قدرت اقتصادی ثروتمندان سوق می دهد و بر شمار بینوایان به طور تصاعدی می افزاید. وقت آنست که اقتصاد به خدمت خلق های جهان در آید.

وقت آنست که دیوار بین «شمال» و «جنوب» را در هم بشکنیم

انحصار دانش، انحصار پژوهش های علمی، انحصار تولید پیشرفته، انحصار اعتبار و اطلاعات، که همگی در چنگ مؤسسات بین المللی ست، نوعی قطبی شدن بی وقفه را هم در سطح جهانی و هم در درون هر کشور به وجود می آورد. فراوان اند خلق هایی که در سراسر جهان گرفتار الگوهای توسعه ای هستند که از نظر فرهنگی ویرانگر، از نظر مادی ناپایدار، و از نظر اقتصادی تبعیت آور است، نه یارای تعیین مراحل تحول خویش و پایه ریزی رشد خود دارند و نه برای نسل های جوان تر آموزشی مهیا می کنند. وقت آنست که دیوار بین «شمال» و «جنوب» را در

هم بشکنیم.

وقت آنست که با بحران تمدن مان برخورد کنیم

مرز های فردگرایی، دنیای بسته مصرف، تفوق مولد گرایی - و برای بسیاری، مبارزه به ستوه آورنده برای کسب نان روزانه - افق های وسیع تر بشریت یعنی حق زندگی آزاد از ستم و استثمار، حق برخورداری از فرصت های برابر، عدالت اجتماعی، صلح، رضایت خاطر روحی و احساس همبستگی را تیره و تار می سازد. وقت آنست که با بحران تمدن مان برخورد کنیم.

وقت آنست که از پذیرش دیکتاتوری پول سر باز زنیم

تمرکز قدرت اقتصادی در دست شرکت های فراملیتی حق حاکمیت دولت ها را تضعیف و حتی نابود می کند. دموکراسی را، چه در درون هر یک از کشورها و چه در سطح جهانی، تهدید می کند. سلطه سرمایه های مالی توازن پولی جهان را بیش از پیش به مخاطره می افکند. دولت ها را به باندهای مافیایی تبدیل می کند. منابع پنهان انباشت سرمایه دارانه یعنی قاچاق مواد مخدر، تجارت اسلحه و بردگی کودکان، را بازتولید می کند. وقت آنست که از پذیرش دیکتاتوری پول سر باز زنیم.

وقت آنست که به جای نومیادی امید بنشانیم

در حالی که قیمت کالاهای انبار شده سر به فلک می زند، کارگران را اخراج می کنند. وقتی مصرف انبوه جای خود را به بازارهای لوکس نخبگان بدهد رکورد رقابت به حد عالی خود رسیده است. وقتی اقشار فقیر چند برابر می شوند شاخص های اقتصاد کلان نشانه های مثبت از خود بروز می دهند. مؤسسات اقتصادی بین المللی با چرب زبانی دولت ها را مجبور می کنند تا سیاست تعدیل ساختاری را دنبال کنند، شکاف بین طبقات اجتماعی را هرچه گسترده تر کنند و کشمکش های اجتماعی فزاینده را دامن زنند. کمک های انسانی بین المللی به آن ها که به نومیادی کامل سقوط کرده اند با قطره چکان داده می شود. وقت آنست که به جای نومیادی امید بنشانیم.

وقت آنست که دولت را بازسازی و دموکراتیزه کنیم

برنامه تجزیه و تفکیک دولت، تنزل کارکردهای آن، کش رفتن از منابع آن و خصوصی کردن های سراسری باعث می شود که بخش عمومی روحیه خود را از دست بدهد، نظام های آموزشی و بهداشتی تضعیف شوند و سرانجام از طریق منافع اقتصادی خصوصی دولت دچار فرسودگی گردد. جهانی شدن نئولیبرالی بین دولت و مردم جدایی می افکند و فساد و رشوه خواری را به نحوی بی سابقه دامن می زند. دولت ابزار سرکوبگری می شود که از امتیازات عده ای انگشت شمار حراست می کند. وقت آنست که دولت را بازسازی و دموکراتیزه کنیم.

وقت آنست که شهروندی را دوباره بیافرینیم

میلیون ها نفر به دلیل مهاجر بودن از رأی دادن محروم اند؛ بیش از میلیون ها نفر از فرط خشم و نومییدی نمی توانند رأی دهند، زیرا احزاب در بحران اند و یا به این دلیل که مردم خود را ناتوان و از زندگی سیاسی مطرود احساس می کنند. انتخابات با اعمال نفوذ و فریبکاری غالباً مسخ می شوند. ولی دموکراسی چیزی بیش از انتخابات است. دموکراسی به معنای مشارکت در هر سطح از زندگی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ست. وقت آنست که شهروندی را دوباره بیافرینیم.

وقت آنست که ارزش های جمعی را نجات دهیم

مدرنیته که نولیبرالیسم با خود به همراه می آورد، فرهنگ های موجود را تخریب و یا عمیقاً فاسد کرده است. همبستگی ها را گسسته و باورها را در هم شکسته است. در عوض، دستاوردهای فردی مبتنی بر موفقیت های اقتصادی را ستایش می کند. مدرنیته بیش از آنکه رهایی را برای جهان به ارمغان آورد، در تربیت [اجتماعی] بحران به وجود می آورد، آتش خشونت اجتماعی را دامن می زند و جنبش های انزواطلبانه ای را پدید می آورد که رهایی خویش و امنیت و مصونیت را در هویت سیاسی-ناسیونالیستی، قومی و مذهبی جست و جو می کنند. وقت آنست که ارزش های جمعی را نجات دهیم.

وقت آنست که مبارزات اجتماعی را جهانی کنیم

در کلیه این موارد، آنچه را باید سرزنش کرد تنها بین المللی شدن اقتصاد نیست که خود می تواند مرحله شگرفی به پیش در مبادلات مادی، اجتماعی و فرهنگی بین انسان ها باشد، بلکه شکل نئولیبرالی آن است که برای قربانیان بیکاری، برای جوانانی که از آینده خویش هراسناک اند، برای کارگرانی که دروازه های نظام تولید به رویشان بسته است و برای ملت هایی که در معرض سیاست تعدیل ساختاری، عدم تنظیم (درگولاسیون) کار، تضعیف نظام های بیمه اجتماعی و نابودی شبکه های کمک به بینوایان قرار دارند، به صورت کابوسی درآمده است. وقت آنست که مبارزات اجتماعی را جهانی کنیم.

وقت آنست که مقاومت مردمی را بنا کنیم

در سراسر جهان، خلق ها مقاومت را سازمان می دهند، به مبارزات اجتماعی دست می زنند و بدیل هایی می آفرینند. زنان، مردان، کودکان، بیکاران، مطرودان و ستمدیدگان، کارگران، دهقانان بدون زمین، جماعت هایی که از نژادپرستی آزار می بینند، سکنه شهرها که به فقر کشانده شده اند، خلق های بومی، دانشجویان، روشنفکران، مهاجران، کسبه خرده پا، بی خانمان ها، طبقات متوسط - شهروندان - رو به زوال، همگی بر حیثیت خویش پای می فشارند، احترام به حقوق انسانی و میراث های طبیعی شان را خواستارند و همبستگی خود را با دیگران نشان می دهند. برخی جان خود را در راه این آرمان ها فدا می کنند؛ دیگرانی برای زندگی روز به روز خود قهرمانی ها از خود نشان می دهند؛ برخی بر پایه مطالعه موقعیت های مشخص، دانش جدیدی می آفرینند؛ برخی اشکال اقتصادی نوینی را می آزمایند؛ برخی سیاستی از نوع جدید را پی می ریزند و برخی فرهنگی نوین ابداع می کنند. وقت آنست که مقاومت مردمی را بنا کنیم.

وقت اندیشیدن، اندیشه ای خلاق و جهانی فرا رسیده است

تحلیل صادقانه و پژوهشگرانه پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، زیست - محیطی، سیاسی و فرهنگی کنونی تنها می تواند عدم مشروعیت این پدیده را ثابت

کند که به عنوان الگوی پیشرفت در جهان رخ نموده است. جست و جوی توازن بین ابتکارات شخصی و پیگیری اهداف جمعی - که بر پایه ستایش از تنوع انسانی و خلاقیت استوار است - باید راه را بر الگوهای نوین بگشاید. مطالعاتی که روی بخش های گسترش یابنده غیر بازاری، روی فنون بارآوری تولید که به سلامت کسانی که آن ها را به کار می گیرند آسیب نمی زند و روی سازماندهی ماهیت کار صورت می گیرد، به ایجاد اشکالی از سازماندهی که انسانی تر باشد یاری خواهد رساند. وقت اندیشیدن، اندیشه ای خلاق و جهانی فرا رسیده است.

اینک زمان بازسازی و گسترش دموکراسی فرا رسیده است

دموکراسی دیگر صرفاً هدفی برای سازماندهی جوامع نیست. کلید درست کارکردن جماعت ها، جنبش های اجتماعی و احزاب سیاسی، کسب و کارها، نهادها، ملت ها و هیأت های بین المللی نیز هست. تجربه به تدریج نشان داده است که دموکراسی سهمی اساسی در احترام به منافع توده ای و حفاظت از امنیت ملی و بین المللی ست. با ارج نهادن به فضاهای باز برای همه فرهنگ ها - نه از سر منت، بلکه به این دلیل که آن ها موهبت های بشری را بازتاب می دهند - می توانیم گرایش به خزیدن به درون پیله منافع کوتاه بینانه شخصی و عزلت گزینی در هویت های سیاسی را وارونه کنیم. وجود دولت های دموکراتیک، با صلاحیت و شفاف پایه ای تلقی می شود برای آنکه آن ها توان خود را برای تنظیم مرمت نمایند. گروه بندی های اقتصادی و سیاسی منطقه ای بر این پایه که هر یک مکمل دیگری باشد پاسخ های زنده و کارآمدی هستند به نیازهای واقعی مردم و بدیلی ضروری در برابر جهانی شدن نئولیبرالی. تقویت و دموکراتیزه کردن نهادهای منطقه ای و بین المللی الزامی واقعگرایانه است. این یک شرط پیشرفت در قانون بین المللی و تنظیم گریزناپذیر روابط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در سطح جهانی ست، به ویژه در زمینه سرمایه مالی، اخذ مالیات، مهاجرت، اطلاعات و خلع سلاح. اینک زمان بازسازی و گسترش دموکراسی فرا رسیده است.

اینک وقت عمل فرا رسیده است

بدین دلیل است که امضا کنندگان این بیانیه از ایجاد **فوروم جهانی بدیل ها** (World Forum for Alternatives) پشتیبانی می کنند. در این لحظه ما نیازمند ایجاد شبکه ای از افراد متعهد، سازمان های مردمی، جنبش های اجتماعی و مراکز پژوهشی هستیم. وقت آن رسیده است که يك «فوروم فوروم ها» برپا کنیم و سازمان های موجود در سراسر جهان را گردهم آوریم. به منظور آنکه با هم فکر و کار کنند، از مبارزات اجتماعی که مظهر امید به آینده است پشتیبانی کنند، مشوق ایجاد بدیل های زنده و ماندنی در برابر جهانی شدن نئولیبرالی باشند، در نتایج مطالعه و تجربه سهیم باشند و آن ها را در همه جا بپراکنند. این ها وظایفی ست مبرم. ما معتقدیم می توان بدیل های زنده و دموکراتیکی ایجاد کرد که به هویت و حیثیت هر فرد انسانی احترام بگذارد.

ما از شما دعوت می کنیم که این بیانیه را امضاء کرده به فوروم بپیوندید و جنبش ها و نهادهایی را که چنین ایدآل هایی دارند و شما عضو آن ها هستید به فوروم بیاورید.

وقت آنست که مسیر تاریخ را اصلاح کنیم.

متن فوق از روی اسناد فوروم (متن انگلیسی) ترجمه شده است.
علاقه مندان می توانند از طرق زیر با فوروم تماس بگیرند.

F. T. M. - T. W. F.
FORUM DU TIERS MONDE - THIRD WORLD FORUM
Bureau Africain - African Office
BP 3501 DAKAR SENEGAL
TEL 221.21.11.44 / 23.37.60
E-MAIL ftm @ syfed.refer.sn